البیعة للّه

البیعة للّه

البیعة للّه

البیعة للّه

البیعة للّه

نکته ها



پایگاه اطّلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

شعبان منتظران

نویسنده نکته:

الهام مهدوی

پایگاه اطّلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم



به نام آنکه رحمن و رحیم است؛ خریدار دل و قلب سلیم است. می‌خواهم از ماه معظّم شعبان بنویسم؛ ماهی که به زبان آوردن نامش، برخی از مسلمانان را به یاد امام مهدی می‌اندازد. قلم که به دست گرفتم و چنین عنوانی را برای مقاله‌ام در نظر گرفتم به ناگاه دلم گرفت. دلم گرفت از این که همگان از شروع این ماه به عناوینی مانند سالگرد تولّد برای اهل بیت به جشن و پایکوبی مشغول می‌شوند و در نیمه‌ی آن این شادی‌ها به اوج خود می‌رسد، در حالی که هر روز می‌گذرد بر عمق فاجعه‌ی غیبت مهدی افزوده می‌شود. آخر جهالت و غفلت و بی‌خبری تا به کجا؟؟؟ دلم گرفت از همه‌ی آنانی که به یاد و نام امام مهدی شیرینی و شربت می‌دهند و نام خود را هم «منتظر» می‌گذارند. دلم گرفت و آن قدر برای غربت امامم اشک ریختم که چگونه مسلمانان عمر خود را در راه غیر امام صرف می‌کنند و چه بسا با همین بی‌خبری و غفلت از این دنیا می‌روند و جز آه و حسرت برایشان نمی‌ماند.

ملتمسانه از خدای خودم التماس می‌کنم و عاجرانه خدایم را به حرمت این ماه معظّم قسم می‌دهم و می‌گویم: بارالها! ای آنکه عزّت و ذلّت به دست توست، آنجا که می‌فرمایی: ﴿وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (آل عمران/ ۲۶). ای آنکه هدایت را بر خود واجب کرده‌ایی! ای آنکه پس از آفرینش انسان به خود احسنت و تبارک گفته‌ایی! پس برای آفریده‌ات مپسند که با جهل و نادانی از این دیار رخت بربندد و در سرای جاودان برایش آه و افسوس بماند. بارالها! تو خود

فرمودی که هرگاه دستی به درگاه من بلند شود، من آن را بی‌اجابت برنمی‌گردانم. پس من عاجزانه از محضرت عذرخواهی می‌کنم برای تمام سال‌هایی که عمرم گذشت و من در شناخت امامم کوتاهی کردم و عذرم را بپذیر که تو بسیار با گذشتی!

در وهله‌ی بعد از امامم مهدی علیه السلام می‌خواهم که مرا برای این همه سال غفلت و سستی ببخشد و برایم دعا کند. آخر به من این طور آموزش داده بودند که امام را خدا غایب کرده و هر زمان خدا بخواهد نیز او را برای مردم ظاهر می‌کند و با این وصف من خود را هیچ‌کاره می‌پنداشتم. اما بارپروردگارا! من تو را سپاس می‌گویم به خاطر این که من را که از این همه سرگردانی و فریب و ریاکاری خسته شده بودم و راه نجاتی طلب می‌کردم، از حیرت رهانیدی. از تو سپاسگزارم که وقتی خاشعانه و عاجزانه دست به درگاهت بلند کردم و از خودت هدایت خواستم به من رحم کردی و با بنده‌نوازی و رأفتت، هدایتم نمودی. از تو سپاسگزارم که راه حق را به وسیله‌ی یکی از بندگان خالص و دلسوزت –که شاید امروز دیگر در میان ما نباشد– به من نشان دادی. نقطه‌ی آغاز این هدایت و لطف عظیم، معرفی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» از سوی همان بنده‌ی صالحت بود. من هم که تشنه‌ی پیدا کردن آب و تمییز آن از سراب بودم، این هدیه‌ی معنوی ارزشمند را به چشمانم کشیدم و با مطالعه‌ی این کتاب شریف، حقایق اسلام ناب که همه‌اش برگرفته از متن قرآن کریم و روایات صحیح و متواتر نبوی بود، یکی پس از دیگری به قلبم نشست و دل ناآرامم را آرامش بخشید و من به شکرانه‌ی این نجات امروز تصمیم گرفتم از اعماق دل و صمیم قلب بنویسم و حلاوت و شیرینی این هدایت را با خواهران و برادران مسلمانم تقسیم کنم و به همه‌ی آن‌هایی که دوست دارند عاقبت به خیر شوند و سرانجام کارشان رستگاری باشد، توصیه کنم که کتاب شریف «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی عالم ربّانی حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را با عمق جان و بدون هیچ تعصّب و دودلی مطالعه کنند و آن گاه که حقایقش را دریافتند و با گوش دل پذیرفتند، به خیل عزیزانی که امروز به یاری زمینه‌ساز ظهور مهدی علیه السلام به پا خاسته‌اند بپیوندند و این گونه راه ظهور را هموار کنند؛ چرا که من دیگر امروز فهمیده‌ام که در واقع ما منتظر امام مهدی نیستیم، بلکه این امام مهدی است که منتظر است و در همه‌ی این سال‌ها ما وارونه به مقوله‌ی انتظار نگاه می‌کرده‌ایم! در این سال‌ها تصوّر می‌کردیم، امام مهدی بیش از هزار و صد سال است که بدون دلیل مشخّصی و بر اساس حکمت‌های خفیه‌ی الهی (!) غیبت کرده است. همچنین فکر می‌کردیم آن حضرت بالأخره در آینده‌ای نامعلوم و همچنین به دلایلی نامعلوم ظهور خواهد کرد و به همه‌ی بی‌عدالتی ها و نابرابری‌ها پایان خواهد داد، بی‌آنکه نقش مشخّص و مؤثّری برای مردم در این غیبت و ظهور قائل باشیم. اما من امروز فهمیدم هر یک نفر که به این حقیقت برسد و بداند که ما در نیامدن

امام خویش مقصّریم و باید برخیزیم و مهیای یاری امام شویم و زمینه‌ی ظهورش را بسازیم، قطعاً امام مهدی یک قدم به ظهور نزدیک‌تر می‌شود. چه چیزی از این بهتر و شادی‌بخش‌تر است که در یک حرکت مردمی و عزمی عمومی، شاهد روزی باشیم که شماری کافی از مسلمانان همه با هم، یکصدا به آمدن مهدی و حکومت او رأی بدهند و تنها او را بخواهند و غیر او را نخواهند؟ روزی که این شمار کافی خواسته‌ی خویش را علناً و با صدایی رسا فریاد بزنند و صدای مصالبه‌ی خویش را به گوش جهانیان برسانند.

اما متأسفانه همچنانکه می‌بینیم، بسیاری از مسلمانان هر ساله فقط شعار می‌دهند و در حالی که هیچ کاری برای ظهور نکرده‌اند، با خوش‌خیالی می‌گویند که امسال، سال فرج است! و در حالی که از فعالیت به نفع مهدی پوستر چسباندن و جشن گرفتن را یاد گرفته‌اند، مدّعی انتظار هستند.

چندی پیش مقاله‌ای زیبا با نام پَرکشیده از خواهر مسلمان و آزاده‌ام، خانم «حلیمه صابر» مطالعه کردم و حقایقی در ارتباط با امام مهدی را دریافت نمودم که بر دل و قلبم و عمق جانم تأثیر بسیار گذاشت. از آن هنگام خودم را مانند پرنده‌ای که از قفسی تنگ، پَر می‌کشد و آزادی را تجربه می‌کند، می‌یابم. حقیقتاً دلم برای روز ظهور اماممان مهدی پر می‌کشد و لحظه‌شماری می‌کنم. می‌خواهم بدانم و از همه‌ی خواهران و برادران مسلمانم بپرسم که آیا اگر عزیزی از خانواده‌ی ما به سفر می‌رفت و در میان ما نبود، ما چگونه برای بازگشت او و آمدنش تلاش می‌کردیم و از نبودنش رنج می‌بردیم. یا برایش دلتنگ می‌شدیم؟ آیا امروز نباید در نبود امام مهدی از چشممان خون ببارد و از این فقدان و ضایعه‌ی عظیم سر به بیابان بگذاریم؟ آه که چقدر باید برای گذشته‌ی خود از محضر اماممان عذرخواهی کنیم و برای آمدنش تلاش بی‌وقفه داشته باشیم شاید که بتوانیم گذشته‌ی خود و سستی‌هایی که داشته‌ایم را جبران کنیم.

خواهر و برادر مسلمانم! اگر امروز من و تو در زندگی روزمره‌ی خود قدمی برای ظهور برداریم، یقین بدان که این بهترین راه ثواب و توشه‌ایی برای روز جاودانگی ماست؛ چراکه امروزه همه پشت به قبله دست به دعا برداشته‌اند و فقط فکر می‌کنند که اعمالشان صواب است، در حالی که حقیقت چیز دیگری است. امروز مهم‌ترین وظیفه‌ی یک منتظِرِ راستین، زمینه‌سازی برای ظهور منتظَر و کمک به زمینه‌ساز ظهور اوست، ولو در حدّ یک قدم و یا قلم ... امیدوارم با این شیوه برسیم به سرچشمه‌ی زلال خلیفه‌ی خداوند که آفریدگار مهربان خودش او را خیر کثیری برای ما قرار داده است و ما خودمان را از او محروم کرده‌ایم. امید است که برسیم به بهترین حال و به بهار قلب‌ها....